



درباره برگزاری کنگره بزرگداشت میرزای نائینی در صحن حرم حسینی

حوزه در صحنه زیارت

کنگره‌بین‌المللی بزرگداشت علامه‌میرزا‌محمدحسین‌نائینی در کشور عراق که پنجشنبه گذشته در نجف آغاز به کار کرده بود، روز گذشته در کربلای معلی به کار خود پایان داد.

در این مراسم جمعی از علما، فضلا و چهره‌های سرشناس حوزه‌های علمیه قم، مشهد، نجف و کربلا و نمایندگان مراجع تقلید، به همراه استادان دانشگاه و نیز متولیان آستان‌های مقدس و زیارتگاه‌های شریف از نقاط مختلف جهان حضور داشتند تا به تبیین ابعاد شخصیتی میرزای نائینی و آثار گرانسنگ او بپردازند.

آیت‌الله علیرضا اعرافی (مدیر حوزه‌های علمیه ایران)، آیت‌الله شیخ جعفر نائینی (نوه مرحوم علامه نائینی)، آیت‌الله‌سیدمنیر الخباز (از استادان برجسته حوزه علمیه نجف) و سیدعیسی الخربسان (تولیت عتبه مقدسه علوی) از جمله سخنرانان مطرح این همایش بودند و در پایان نیز از موسوعه علمی ۴۰ جلدی محقق نائینی که حاصل دوسال تلاش حوزه علمیه‌قم و مجتمع علمی امام حسین (ع) است، رونمایی شد.
مراحل پیشین این رویداد در ایران برگزار شده بود؛ مرحله نخست، اول آبان گذشته در شهر مقدس قم با پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی و با سخنرانی ویژه آیت‌الله العظمی سبحانی و سه روز بعد در مشهد مقدس. این کنگره که با همکاری آستان‌های مقدس علوی و حسینی و مدیریت حوزه‌های علمیه‌قم و مشهد با هدف پاسداشت مجاهدت‌ها و آثار علامه نائینی برگزار شد، جلوه زیبایی از همکاری‌های علمی و ترویجی حوزه‌های علمیه شیعی و اعتاب مقدسه در ایران و عراق را به نمایش گذاشت که امید است این همکاری‌ها در عرصه‌های میدانی نیز تداوم داشته باشد.

اما فارغ از محتوا و دستاوردهای همایش، ابتکار آستان مقدس حسینی در برگزاری اختتامیه‌همایش در حرم حسینی و استفاده از ظرفیت زیارت و فضای کالبدی حرم و حضور زائران برای همایشی در این سطح، جالب توجه بود و التفات نمادینی شد بر رویکرد اجتماعی میرزای نائینی.

به‌ویژه اینکه حوزه‌های علمیه عراق در سده اخیر، کمتر رویکرد اجتماعی و حتی تبلیغی داشته‌اند. حوزه‌علمیه‌نجف‌باهمه‌سابقه و بزرگی‌اش، در دوره معاصر بر مسائل علمی و فقه سنتی متمرکز بوده‌و نه‌تنها در عرصه‌فقه‌اجتماعی، بلکه‌حتی در مسائل تبلیغی نیز‌ورود چندانی نداشته‌است. گرچه برخی ساختارهای تبلیغی در حوزه‌های علمیه عراق به تازگی شکل گرفته و فعال شده‌اند، اما سال‌هاست که حتی اعزام مبلغ برای بسیاری از مناطق عراق هم در ایام تبلیغی از سوی حوزه‌های علمیه ایران انجام می‌شود. با این حال این ابتکار عمل زیبا از پیوند حوزه عراق و مردم را باید به فال نیک گرفت و برای گسترش هر چه بیشتر آن در ایران هم تلاش کرد. پیوندی که در سابقه تاریخی حوزه علمیه نیز وجود داشته و نمونه‌های آن را در دروس عمومی حوزه با حضور آزادانه مردم و دروس مکاتب با حضور بازاریان سراغ داریم.

این پیوند پیوسته در حوزه علمیه خراسان، به‌عنوان دومین حوزه علمیه شیعه که از سرمایه‌هایی چون سابقه ادبیاتی، تبلیغی و ارتباطات زیارت‌محور بهره می‌برد، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. مزیت‌هایی که می‌تواند این حوزه را در عرصه‌های تبلیغی و رسانه‌ای به‌اولین حوزه علمیه تبدیل کند.

خبر

برای رایزنی‌های منطقه‌ای درباره غزه، پاکستان، افغانستان و اوکراین

وزیر خارجه ترکیه امروز به تهران می‌آید



گروه سیاسی | وزیر خارجه ترکیه امروز یکشنبه به منظور گفت‌وگو درباره مسائل مختلف از جمله سوریه و غزه به ایران سفر خواهد کرد.
انتظار می‌رود که فیدان با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه و دیگر مقامات کشورمان دیدار کند.

به گفته منابع وزارت خارجه ترکیه انتظار می‌رود فیدان در سفر خود به ایران، فرصت‌های تقویت بیشتر روابط دوجانبه را مورد بحث قرار دهد. در این راستا، مقدمات نهمین نشست شورای همکاری سطح بالا که به رهبری رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه و مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران برگزار می‌شود، فراهم خواهد شد. در این سفر، مسائل منطقه‌ای مورد بحث قرار خواهد گرفت که شامل تقویت همکاری بین دو کشور در زمینه امنیت و مبارزه با تروریسم، مسائل حمل و نقل، تلاش‌ها برای تسریع زیرساخت‌ها و ساخت مراکز تجارت مرزی و هدف حجم تجارت دوجانبه ۳۰ میلیارد دلاری خواهد بود. موضوع سوریه نیز در دستور کار این سفر قرار دارد.

فیدان در مورد قطعنامه اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد غزه، حفظ آتش پس فعلی و بازسازی غزه مشورت خواهد کرد. وزیر خارجه ترکیه در طول سفر خود به ایران همچنین در مورد دیپلماسی برای حل جنگ روسیه و اوکراین، صلح در قفقاز جنوبی و کاهش تنش میان پاکستان و افغانستان بحث خواهد کرد. سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ آبان ماه در تماس تلفنی با هاکان فیدان در مورد روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو کرده بود. هاکان فیدان از سال ۲۰۱۰ تا اوایل ژوئن ۲۰۲۳ ریاست سازمان ملی اطلاعات ترکیه را به عهده داشته و سپس به انتخاب رجب طیب اردوغان وارد کابینه شده است.

نگاهی به پیام الحاق پایگاه شنآوری پیشرفته «کردستان» و ناوشکن «سهند» به نیروی دریایی ارتش

در دریا هم دستمان پراست



هدایت جاوید | دیروز، جدیدترین دستاوردهای نظامی دریایایه که در میان آن‌ها نام پایگاه شنآوری پیشرفته «کردستان» و ناوشکن «سهند» هم به چشم می‌خورد، به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ملحق شد. شناور کردستان در حقیقت یک بندرشهر است که می‌تواند اقدام‌های مهمی در زمینه پشتیبانی از یگان‌های رزم نیروی دریایی انجام داده و با انبارهای سوخت و مهمات با ظرفیت لجستیکی ۹۰ روزه و تجهیزاتاتی مانند بالگرد، بیمارستان دریایی، مرکز فرماندهی یکپارچه و ایستگاه‌های پهپادهای چندمنظوره می‌تواند پشتیبانی کاملی از ناوگروه‌های اقیانوسی داشته باشد. ناوشکن رزمی سهند سومین فروند کلاس موج نیز پس از بروز سانحه غیرمنتظره در اسکله بندرعباس در ۱۶ تیرماه ۱۴۰۳، به‌طور کامل تعمیر و ارتقا داده شده است.

■سیر تحول بومی در عرصه دریا

در این میان به نظر می‌رسد الحاق همزمان پایگاه شنآوری کردستان و ناوشکن سهند به ناوگان دریایی کشورمان

حاوی سه پیام راهبردی است. در گام نخست این رخداد انعکاس ادامه سیر تحول و پیشرفت بومی ایران اسلامی بخشی از کارت‌های برنده نیروی دریایی هستند؛ کارتی که سبب شده حتی اندیشکده‌های معتبر آمریکایی اعتراف کنند: «ایران اکنون توانایی بازدارندگی دریایی در سه اقیانوس (هند، آرام و اطلس) را دارد».

■فعالیت در آب‌های اقیانوسی و فراساحلی

پیام دیگر رونمایی اخیر تقویت توان نظامی جمهوری اسلامی برای حضور و فعالیت در آب‌های اقیانوسی و فراساحلی است. ایران با دارا بودن خط ساحلی ۵هزار و

در این میان، ارائه یک گزارش و داده‌نگاری مبتنی بر یک تحلیل علمی که توسط پژوهشگران دانشگاه تهران انجام شده است، حاوی نکات و طرائف قابل توجهی در خصوص جایگاه و راهبرد کشورها در مقیاسی بین‌المللی برای ایفای نقش در حوزه سرنوشت‌ساز هوش مصنوعی است. تحلیل مذکور با استناد به آماره‌های هفت‌گانه و مورد اشاره، ۸۳ کشور را در قالب «هرم قدرت و تأثیر» در مناسبات هوش مصنوعی در چهار سطح کلی دسته‌بندی می‌کند: سطح نخست «آر‌قدرت» که عبارت است از ایالات متحده آمریکا! سطح دوم رقیب جهانی یا «چالش‌گر» که همان جمهوری خلق چین است. سطح سوم اما «باشگاه نجبان» نام‌گذاری شده و شامل ۲۴ کشور غالباً توسعه‌یافته یا ثروتمند است و قاعده هرم و سطح چهارم با عنوان «آغازگران و پیروان» شامل ۵۷ کشور در طیف وسیعی از اقتصادهای در حال توسعه در آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی! در این گزارش و امتیازاتی که با حداکثر ۱۰۰ در نظر گرفته شده، به طور مثال و در منطقه آسیای جنوب‌غربی و آناتولی، رژیم نامشروع اسرائیل با امتیاز ۲۶ در رتبه

۹ شاخص جهانی، عربستان سعودی با امتیاز ۲۰ در رتبه ۱۴، امارات متحده عربی با امتیاز ۱۷ در رتبه ۲۰، ترکیه با امتیاز ۱۱ در رتبه ۳۴ و ایران با امتیاز ۸ در رتبه ۶۰ و در سطح چهارم این هرم قرار دارد. منطقه‌ای که به شکل خاص، همواره زمین‌بازی‌های بزرگ ژئوپلیتیکی بوده و آن گونه که پیداست، در ساخت حساس و راهبردی هوش مصنوعی نیز، حداقل در میان کشورهای حاضر در این فهرست، رقابتی نابرابر اما فراینده را به چشم خواهد دید. به شکل کلی، هر گونه سطح‌بندی و داده‌نگاری کمی از موضوعات چندوجهی و پیچیده‌ای که به ماهیت، مناسبات و روابط قدرت مرتبط می‌شود شامل نارسایی‌های فراوان و البته حامل حقایق و واقعیت‌هایی انگار ناپذیر است. اینکه ایالات متحده به واسطه چیرگی فناورانه و ماهیت انحصارطلب خود، یکی از دو بازیگر اصلی عرصه هوش مصنوعی بوده به همان اندازه محتمل است که چین به کمک روش‌های خلاقانه و آلترناتیوهای نوآورانه، شانه‌به‌شانه در حال حرکت با رقیب اصلی است!

۸۰۰ کیلومتری (حدود ۵ هزار کیلومتر در جنوب) ناگزیر از سرمایه‌گذاری در این عرصه و تقویت نیروی دریایی خود است. بر این اساس سه سال پیش، ناوگروه ۸۶ ارتش متشکل از ناوشکن دنا و ناو لجستیک مکران، با دریانوردی ۳۶۰ درجه در دور زدن کامل کره زمین و طی مسافت ۵۱هزار کیلومتر، رکورد دریانوردی نظامی ایران را شکست. در حالی که طبق هدف‌گذاری انجام شده حضور در آب‌های اقیانوسی به عنوان یک راهبرد مد نظر بوده، رونمایی از تجهیزات تازه گامی مؤثر در این زمینه است. جمهوری اسلامی چند سال پیش با رونمایی از ناوبندر مکران با توانایی حمل پهپاد و حمایت لجستیکی از ناوها از بزرگ‌ترین شناور نظامی خود رونمایی کرد. حال طبق گفته امیر در یادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش، کردستان هم به عنوان یک پایگاه شنآوری کاملاً راهبردی با ظرفیت بسیار بالا در آب‌های دوردست و عمق اقیانوس‌ها نقش آفرینی خواهد کرد و مأموریت اصلی آن، پشتیبانی از یگان‌های رزمی و اسکورت خواهد بود و این یعنی افزایش بازیگری ایران در آب‌های فراساحلی. ایران اکنون هم نه فقط در خلیج فارس، بلکه در اقیانوس هند، دریای سرخ و حتی اقیانوس اطلس حضور فعال دارد. راهبرد کنونی تهران تسلط و اشراف عملیاتی بر بالای مدار ۱۰ درجه شمالی است، یعنی مناطقی از اقیانوس هند، دریای عمان، خلیج فارس تا دریای عرب و دریای سرخ. با رونمایی‌های اخیر و افزایش توانمندی‌های دریایی، در آینده نزدیک قطعاً شاهد بازیگری جدیدتر کشور در حوزه دریایی و گسترش دایره نفوذ و اثرگذاری جمهوری اسلامی خواهیم بود.

■مقابله با تنش آفرینی‌های بی‌پایان آمریکا

در نهایت اینکه تحولات اخیر در مقطع کنونی معنادارتر به نظر می‌رسد. تنش آفرینی‌های بی‌پایان آمریکا و رژیم صهیونیستی و ایجاد مزاحمت احتمالی محور شر برای نفتکش‌های ایرانی می‌تواند دامنه منازعه را به دریا بکشد و باید متناسب با این وضعیت مجهز شویم. در این زمینه باید به توبیت دو سه روز پیش علی شمشانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی اشاره کرد که با تأکید بر اینکه ایران هنوز از قدرت دریایی‌اش رونمایی نکرده به ظرفیت‌های پنهان این حوزه پرداخت و نوشت: «جمهوری اسلامی ایران جغرافیایی در اختیار دارد که تأثیر قدرت دریایی‌اش را که هنوز از آن رونمایی نکرده چندین برابر می‌کند». این یعنی در حوزه دریایی هم دستمان کاملاً پر است و می‌توانیم محاسبات دشمن را تحت تأثیر قرار دهیم.

ابرقدرت، چالش‌گر و باشگاه نخبگانی که احتمالاً امید چندانی به اضافه شدن به رینگ مبارزه چین و آمریکا در این کارزار نداشته و عمده مساعی خود را به ماندن و بازماندن از رقبای هم‌تراز به ویژه در مقیاس‌های منطقه‌ای می‌بینند و سطح چهارمی‌هایی که با یک پنجره زمانی بسیار کوتاه برای ارتقای جایگاه خود و یا ماندن در پایین‌ترین عرصه مناسبات هوش مصنوعی روبه‌رو هستند. حال این انتخاب واضح و روشن برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ایرانی وجود دارد که به ساختارسازی و اختصاص بودجه‌های متعارف برای این فناوری نامتعارف پسنده کنند و طی پنج سال آینده و با بسته شدن این پنجره طلایی دوباره کارگروه آسیب‌شناسی تشکیل دهند و یک ردیف بودجه جدید برای اشتهای اژدهای سیری‌ناپذیر دیوان‌سالاری مهیا کنند یا با رویکردی انقلابی و الگو قرار دادن «طهرانی‌مقدم»‌ها و «فخری‌زاده»‌ها و «حاجی‌زاده»‌ها، دست ملت ایران را برای مواجهات آتی در حوزه‌های سخت و نرم قدرت آنچنان پر کنند که هزینه تعدی به حقوق و منافع ایرانیان برای دشمنان بیش از فایده آن باشد.



باید سوخت مفت بدهید! و عجیب‌تر اینکه وزارت خارجه وقت ایران، به جای اعتراض، موضعی نرم گرفت و غنی هم روز بعد از آن‌ها تشکر کرد! واقعیت این است که هر حکومتی در افغانستان چه طالبان، چه تکنوکرات‌های آمریکایی‌ساز و چه گروه‌های دیگر به دنبال ساخت سد و کنترل آب خواهد بود. مشکل اصلی، ضعف سیاست خارجی ایران و غفلت از روند‌های زیرپوستی آب در افغانستان بوده است.

امروز که دیپلماسی فعال‌تری آغاز شده، وقت آن است حقیقت را با صدای بلند گفت: منافع ملی آب، قربانی سال‌ها بی‌عملی، نفوذ مافیای آب و ساده‌انگاری در برابر پروژه‌های آمریکایی در افغانستان شده است. حل مسئله هیرمند و پرویز، نه با شعار و نه با هیجان رسانه‌ای، بلکه با دیپلماسی مقتدر، مدیریت منسجم منابع آب و مهار نفوذ مافیا ممکن است؛ مسیری که اگر دیر دنبال شود، فردا بسیار پرهزینه‌تر خواهد بود.

مسئله آب‌های مشترک میان ایران و افغانستان موضوعی است ریشه‌دار در تاریخ معاصر

طنز تلخ دیپلماسی آب

■بر پروژه‌سازی‌ها چشم بستند

از اینجاست که بحث مافیای آب مطرح می‌شود؛ شبکه‌ای که هم در حوضه هیرمند و هم در حوضه هریرود حضور دارد. مافیایی که در پرونده‌هایی مانند چاه‌های ژرف، طرح انتقال آب از عمان و حتی پروژه‌های عمرانی مرزی فعال است. همان جریانی که در دوره حضور آمریکایی‌ها در افغانستان، چشم‌برپروژه‌سازی‌ها بست؛ در هیئت مدیره کارخانه‌های سیمان نشست، سیمان ارزان به افغانستان صادر کرد، سوخت یارانه‌ای برای ساخت سد‌ها فروخت و حتی اجازه‌نداد دیپلماسی ایران موضوع را پیگیری کند. امروز همان جریان، در حالی که سالانه ۲/۵ میلیارد مترمکعب آب باران در سیستان و بلوچستان هدر می‌رود، هیچ راهکاری ارائه نمی‌دهد و همچنان مشغول بهره‌برداری از پروژه‌هاست.

در حوضه هریرود نیز وضعیت بهتر از هیرمند نیست. ما در حالی سد دوستی را ساختیم که افغانستان از سال‌های دولت کرزی ساخت بند سلما را آغاز کرد؛ طرحی که با مدیریت مستقیم اسماعیل خان –والی سابق هرات و وزیر انرژی وقت افغانستان – پیش رفت. کارشناسان ایرانی همان زمان هشدار می‌دادند که سلما آینده آب مشهد را تهدید می‌کند، اما دیپلماسی دولت وقت ایران به جای اقدام، سکوت اختیار کرد. نتیجه آن شد که امروز مشهد به دلیل کاهش ورودی آب از هریرود،

فراخبر

مهدی دارا | مسئله آب‌های مشترک میان ایران و افغانستان، چه در حوضه هیرمند و چه در حوضه هریرود، تنها یک اختلاف سیاسی میان دو دولت نیست؛ موضوعی است ریشه‌دار در تاریخ معاصر دو ملت که بارها به مرز بحران رسیده، اما هیچ‌گاه به یک جمع‌بندی پایدار نزدیک نشده است. معاهده حقایبه هیرمند که از دوران پهلوی تا کنون پابرجاست، رقم مشخصی دارد: ۸۵۰ میلیون مترمکعب در سال؛ حقی که ایران طی دهه‌ها بر آن پافشاری کرده و افغانستان نیز همواره در عمل از اجرای کامل آن سر باز زده است. عجیب‌تر اینکه این چالش نه‌فقط میان دولت‌ها، بلکه در لایه‌های اجتماعی افغانستان نیز محل نزاع بوده؛ چنان‌که نخست‌وزیر وقت افغانستان پس از امضای معاهده، از سوی گروهی «خیانتکار» معرفی شد و حتی به قیمت جان‌ش تمام شد. در سال‌های اخیر نیز با وجود تغییر حکومت‌ها در کابل، این مقاومت ادامه یافت و این یعنی مناقشه هیرمند، پیش از هر چیز، مسئله‌ای ملی در افغانستان است و نه صرفاً یک پرونده در سطح دولت‌ها.

در کنار این واقعیت سیاسی، یک واقعیت اقلیمی هم وجود دارد: افغانستان سال‌هاست درگیر خشکسالی گسترده است. بازدید هیئت فنی جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۱ از ایستگاه دهرآود نیز همین را نشان داد. اما برخی جریان‌های سیاسی در داخل کشور نمی‌خواستند مسئله خشکسالی را به رسمیت بشناسند؛ چرا که اولویت آن‌ها، نه حل بحران آب بلکه منافع شبکه‌های پنهان اقتصادی بود.